



عکس: حسین یاقی / زنده ایران

صهیونیسم علیه یهودیان ایران

روایت میدانی «ایران» از تخریب کنیسه یهودیان تهران و خانه‌های غیرنظامیان در تجاوز نظامی رژیم اسرائیل

گزارش

سهیلا نوری
گروه گزارش

کوچه «ملک» دیگر شبیه مأمی در قلب تهران نیست؛ بیشتر به صحنه‌ای از یک خاطره جمعی شکسته شباهت دارد. در میانه کوچه‌های فرعی اطراف خیابان طالقانی، پس از انفجاری سهمگین، سسکوتی سدگین جریان دارد. مغازه‌هایی که تا همین چند روز پیش باز بودند، حالا کرکره‌های نیمه خمیده و شیشه‌های فرو ریخته دارند. روی دیوارها، رد انفجار به وضوح دیده می‌شود؛ گویی خود شهر هم این ضربه را به خاطر سپرده است. اواسط بن بیست ملک، در نزدیکی خیابان طالقانی و فلسطین و پا یک ساختمان فاصله از سفارت سابق رژیم اسرائیل در تهران «کنیسه رفیع نیا» واقع شده بود که جز تلی از خاک و آوار چیزی از آن باقی نمانده است. در پی حمله هوایی بامداد سه شنبه، هجدهم فروردین ماه، کنیسه و بیش از ۱۰ ساختمان مسکونی اطراف آن غیر قابل سکونت شدند.

تعدادی از اعضای جامعه یهودیان تهران اینجا حضور دارند، نه برای انجام مراسمی رسمی، بلکه برای دیدن آنچه از مکانی باقی مانده که بخشی از هویتشان بوده است.

نیروهای امدادی، با چهره‌هایی خسته اما متمرکز، بی‌وقفه در حال جست‌وجو هستند. هربار که تکه‌ای از آوار برداشته می‌شود، گویی یک سؤال مدام در ذهن زن و مردی که به‌تازگی به اطراف نگاه می‌کنند تکرار می‌شود: آیا دوباره زندگی به این کوچه بازمی‌گردد؟

ایستاده که نمایی آن به‌طور کامل فرو ریخته است. سرگردان به دوروبر نگاه می‌کند تا کسی جواب سؤالش را بدهد. می‌خواهد بداند برق خانه نیمه ویرانه‌اش وصل می‌شود یا باید شب را در تاریکی و میان دیوارهای شکسته به صبح بگذراند. اینطور که می‌گوید در خانه هیچ بروم به غیر از خانه خودش راحت نیست؛ «از اول جنگ هر چقدر پسرم گفته به خانه آنها بروم دلم راضی نشد. در خانه خودم و کنار گلدان‌های شمعدانی حالم بهتر بود. از طرفی حتی تواندم راه نمی‌کردم اینجا هدف قرار بگیرم. توی این کوچه فقط ما مردم عادی و غیرنظامی رفت‌وآمد داشتیم و یهودیانی که برای برگزاری مراسم تولد، عروسی و یا عبادت به کنیسه می‌آمدند. چند متر آن طرف‌تر، دختری جوان در حال جمع کردن وسایلی است که از خانه‌شان بیرون می‌آورند. دستش به قاب عکسی می‌رسد که شیشه‌اش شکسته، اما عکس داخلش سالم مانده. با صدایی که تلاش می‌کند محکم باشد، می‌گوید: «همه چیز داغون شده، بلکه از امان از آدمیزاد؛ هنوز دنبال چیزی می‌گردم تا بگم زندگی ادامه داره.»

تخریب امنیت

یکی از خاخام‌های جامعه یهودیان تهران در محل حاضر می‌شود. او در میان جمع کوچکی از هم‌راهان، با چهره‌ای متأثر اما آرام، این چند جمله کوتاه را بیان می‌کند: «مکان‌های مذهبی باید پناهگاه باشند، نه نقطه‌ای برای تخریب. آنچه اینجا رخ داده، فراتر از تخریب یک ساختمان است؛ این آسیب به احساس امنیت و همزیستی است.»

او تأکید می‌کند جامعه یهودیان، مانند دیگر شهروندان، بخشی از بافت این شهر هستند و چنین رویدادهایی همه را، بدون تمایز، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ادامه نماینده کلیمیان در مجلس نیز با حضور در محل، با بازدید میدانی از خسارات، می‌گوید: «این حادثه فقط یک جامعه خاص را هدف قرار نداده؛ ما شاهد آسیب به شهروندان عادی، خانه‌ها و یک مکان مذهبی هستیم و باید این مسئله مهم در سطح بین‌المللی و

با دقت بررسی شود.» او با اشاره به وضعیت خانواده‌های آسیب‌دیده اطراف کنیسه که تعدادی‌شان مسلمان و تعدادی هم از یهودیان بوده‌اند، بر ضرورت رسیدگی فوری و حمایت از آنها تأکید می‌کند و می‌افزاید: «بسیاری از این افراد، هیچ نقشی در هیچ تنش‌ی نداشته‌اند. آنها فقط در خانه‌هایشان زندگی می‌کردند.»

جنگ را از تلویزیون می‌دیدیم

یکی از امدادگران که چند ساعت بدون وقفه کار کرده، از شدت خستگی چند متر از ویرانه‌های تلمبار شده فاصله می‌گیرد و در حالی جرعه‌ای آب می‌نوشد که می‌گوید این مدت فقط آب با طعم خاک خوردیم. مرد جوان سری‌تکان می‌دهد و با خشم می‌گوید: «از کسی که به خانه مقدس خودشان هم رحم نکرده نمی‌توانم توقع انسانیت داشته باشم، اینجا هر چیزی که پیدا می‌کنیم، یک داستان مفصل پشت آن است.» این «داستان‌ها» در گوشه‌گوشه محل دیده می‌شوند؛ از دفترچه‌های مدرسه گرفته تا وسایل ساده روزمره که حالا زیر پشته‌ای از خاک و آوار دفن شده‌اند. هرکدام نشانه‌ای از زندگی‌هایی هستند که ناگهان متوقف یا دچار تغییر شدند. شبیه زندگی پیرمردی که به سختی روی صندلی خاک‌گرفته‌ای نشسته است. نگاه پر از حرف او به طبقه دوم ساختمان نیمه‌ویران خیره مانده است. انگار با خودش می‌گوید ما جنگ را از تلویزیون می‌دیدیم، فکر نمی‌کردیم یک روز زنگ خانه خودمان را بزنند.

آسیب به زیست اجتماعی

این محل قدمتی حدود هشت دهه داشت؛ «اینجا فقط یک محل عبادت نبود. خاطرات بچگی خیلی از ما همین جا ساخته شد. مراسم تولد و گردهمایی می‌پرداختند، اما صد حیف که حالا و پس از حمله روز هفتم آوریل، می‌آورند. دستش به قاب عکسی می‌رسد که شیشه‌اش شکسته، اما عکس داخلش سالم مانده. با صدایی که تلاش می‌کند محکم باشد، می‌گوید: «همه چیز داغون شده، بلکه از امان از آدمیزاد؛ هنوز دنبال چیزی می‌گردم تا بگم زندگی ادامه داره.»

من زندگی می‌خواهم

در یکی از ساختمان‌های آسیب‌دیده اطراف

محل حادثه، زنی که هنوز آثار شوک در صدایش شنیده می‌شود، از لحظه انفجار این‌طور روایت می‌کند: «تمام پنجره‌های خانه ما با چهارچوب از جا کنده شد. از شدت دود و خفگی اصلاً نمی‌توانستیم نفس بکشیم، چشم‌هامان جایی رانمی‌دید. بسوی عجیبی همه جا پیچیده بود. انگار به موهایم قیر چسبیده بود. شانه لای موهایم نمی‌رفت.»

او با اشاره به شدت موج انفجار، به طبقات بالاتر ساختمان نگاه می‌کند و ادامه می‌دهد: «طبقه سوم را ببین. خانه ما ست؛ کامل آسیب دیده. من فقط این صحنه‌ها را توی فیلم‌ها دیده بودم، هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم برای خودم اتفاق بیفتد. بکوه تمام پایه‌های خانه لرزید. فقط به مادرم گفتم بلند شو که زدن. دود همه جا رو گرفته بود، تاریکی مطلق. برق هم سریع قطع شد. با همین لباس مذهبی، در اینجا نگهداری می‌شد. مهم‌تر از همه، چندین طومار تورات با قدمت بیش از ۲۰۰ سال که

ارزش فرهنگی و مذهبی بالایی دارند، زیر آوار قرار گرفته‌اند. این خسارت از هر نظر، به ویژه از نظر فرهنگی و مذهبی، بسیار قابل توجه است. به همین خاطر و برای حفظ این میراث، با شهرداری مذاکره کرده‌ام تا در صورت امکان تخلیه آوار با بیسل مکانیکی انجام نشود و ساختمان‌های مجاور فقط تا حدی سبک شوند. قرار است کار آهن‌کشی انجام شود تا از ریزش بیشتر جلوگیری شود و سپس طومارهای تورات با دقت و به‌صورت دستی خارج شوند.»

او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.» او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.» او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.»

او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.» او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.»

او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.»

او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.» او در پایان در مورد دیدگاه جامعه کلیمیان نسبت به ایران و امنیت ملی اضافه می‌کند: «برای ما ایرانیان، آسیب به هر گوشه‌ای از کشورمان باور دارد.»

روایت نماینده کلیمیان در مجلس

همایون سامه یح، نماینده جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و رئیس انجمن کلیمیان تهران، درباره حمله هوایی به کنیسه و ساختمان‌های مجاور می‌گوید: «ساعت ۳ بامداد سه شنبه، هجدهم فروردین، یک حمله هوایی توسط رژیم صهیونیستی به این محل انجام و چندین ساختمان تخریب شد. یکی از این ساختمان‌ها کنیسه رفیعی نیا بود که قدمتی طولانی دارد و در قبل از انقلاب ساخته شده است. این مکان صرفاً محل عبادت و

منطقه آسیب دیده است. ماشین‌ها، وسایل خانه‌ها و اتاق‌های خواب مردم به خیابان ریخته و همه تحت فشار روحی هستند. از جنبه مذهبی هم، تقدس مکان، کتاب‌های مقدس و خاطرات مراسم دینی، بار ناراحتی را دوچندان کرده است.»

او درباره سابقه تاریخی کلیمیان در ایران توضیح می‌دهد: «حضور کلیمیان در ایران بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت دارد. ما هم به عنوان ایرانی و هم به عنوان پیرو دین خود، ریشه در این سرزمین داریم و تعلق خاطر خاصی به کشورمان داریم. حتی در شرایط سخت و بحرانی، مهاجرت نکردیم و در کنار مردم خودمان، جزئی از این جامعه باقی ماندیم.»

ماخانی درباره نگاه جامعه کلیمیان ایران به اسرائیل و مسائل سیاسی می‌گوید: «همیشه نگاه ما سیاسی بوده است و نباید با مسائل مذهبی قاطی شود. اسرائیل یک رژیم سیاسی است، نه نمایندگی کلیمیان یا دین یهود. همانطور که اعمال گروه‌های تروریستی را نمی‌توان به مسائلان تعمیم داد.»

او در پایان تأکید می‌کند: «این حادثه نشان داد حتی جامعه‌ای که در صلح و همزیستی زندگی کرده، می‌تواند هدف حمله قرار گیرد. ما انتظار داریم جامعه جهانی این تخریب فرهنگی و مذهبی را بشناسد و اقدامات لازم برای حفاظت از میراث تاریخی و مذهبی انجام شود.»

بن بست ملک تقاطع زندگی های عادی

بن بست ملک تنها یک نقطه روی نقشه نیست؛ اینجا تقاطع زندگی‌های عادی، باورهای مذهبی و واقعیتی است که ناگهان همه چیز را تغییر داده؛ تخریب یک کنیسه، در کنار آسیب به خانه‌های غیرنظامیان تصویری روشن از شکنندگی امنیت در جهان امروز را ارائه می‌دهد، جایی که مرز میان «هدف» و «زندگی» گاه در یک لحظه از بین می‌رود، با وجود این شاید مهم‌ترین چیزی که میان این آوار به ذهن می‌رسد، پرسش است که همچنان بی‌پاسخ مانده؛ چگونه می‌توان از انسان‌ها، فارغ از دین و هویت، در برابر چنین تجاوزهایی محافظت کرد؟

در بن بست «ملک» عملیات پاکسازی شاید روزها یا هفته‌ها به طول بینجامد، اما آنچه که اینجا به بن بست نخواهد رسید، امید است. بار دیگر در همین کوچه باریک که در هر دو سمت آن، نشانه‌ای از بعضی و کینه دشمن به چشم می‌خورد، زندگی راه خود را پیدا می‌کند و نجوای دعا، آسمانش را پر خواهد کرد.

هیچ کس ما را غیر خودی نمی‌داند



هارون شبايی

چهل روز زیر غرش مهیب بمب‌های دشمن نشستیم. مثل همه مردم با قلبی شکسته و اندوهگین از کشتار فرشته‌های میناب و بقیه کودکان و مردم این سرزمین. با غم از دست دادن رهبر و فرماندهانی که قهرمان رزهای سخت بودند. با چشم امید به مردم و مدیرانی که با مدیریت مثال‌زدنی (واژه جنتی غیر قابل پیش‌بینی) خود تحمل مرارت و مشکلات این روزها را بر ما آسان کردند. اما چیز دیگری علاوه بر مشکلات و مصیبت‌های همه مردم مرا ترحم می‌داد و آن اشتراک دینی من با دشمنی بود که به این سرزمین ناخته بود. از آن همه ستمی که از یک سرزمین یهودی بر مردم مظلوم فلسطین و غزه رفته شمرسام، اما این بار قضیه فرق می‌کرد و حالا دشمنی که خود را پیرو دین یهود معرفی می‌کرد به سرزمین ما ناخته بود. سرزمینی که نه برای دهه‌ها و سده‌ها، که برای هزاران سال از زمان گشایش بابل به دست کوروش تا همین حالا یهودیان را در خاک پر برکت خود پرورانده است. دیری نپایید که بهتر دانستم ایرانیان وارث چه تمدن پرشکوهی هستند و بهتر دانستم چرا نام پر افتخار سرزمین پارس در جای جای کتب مقدس عهد عتیق یهودیان یاد شده. هیچ وقت کسی ما را غیر خودی ندانست. وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی که به دیدار نوروزی هنرمندان پیشکسوت می‌رفتند ما را هم از قلم نینداختند و مورد تقدیر قرار دادند و تقارن نوروز و عید پسخ کلیمیان را تبریک گفتند. جایی که حجت بر همه تمام شد وقتی بود که بمب دشمن به کنیسه رفیع نیا در جایی حوالی خیابان طالقانی و دانشگاه تهران اصابت کرد و کنیسه با خاک یکسان شد و تومارهای مقدس تورات زیر آوار خشم به اصطلاح حماسی دشمن آمریکایی صهیونی هتک حرمت شدند؛ آن هم در ایام عید مقدسی که یادآور قیام حضرت موسی کلیم الله (ع) علیه استکبار فرعون می‌باشد. این زمان، زمانی بود که همه دیدند و فهمیدند که چگونه سرزنش کلیمیان ایرانی با ملت ایران در هم تنیده است. در خاتمه بر زمینگان دلیر ایران که حتماً قلبشان بیش از بقیه مردم برای ایران می‌تپد دردم می‌فرستد. سعادت است که از آتش بس گذشته؛ امیدوارم این آتش بس نوید بخش صلحی پایدار و عزتمندانه برای همه مردم ایران باشد. به امید تحقق این وعده الهی که: ملتی بر ملتی شمشیر نخواهند کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.



کنیسه رفیع نیا قبل انفجار

